منقار

منقار قسمت خمیده و سخت دهان پرنده است.

پرنده با استفاده از منقار خود سوراخ کوچکی در زمین حفر کرد.

نم دار

اگر چیزی مرطوب باشد ، تا حدودی مرطوب است.

موهای من هنوز از دوش من مرطوب است.

نپذیرفتن

نپذیرفتن چیزی تصور غلط بودن آن است.

الکس ، رفتار پسرش را تأیید نکرد.

بجز

شما استفاده می کنید به جز برای صحبت کردن در مورد تنها چیزی که بیانیه اعمال نمی شود.

در سفر همه سرگرم بودند به جز جیم که تمام مدت احساس بیماری می کرد.

پرواز

پرواز نوعی پرواز است که اغلب در هواپیما انجام می شود.

هواپیما به دور دنیا پرواز کرد.

دوست داشتن

وقتی کسی به چیزی علاقه دارد ، آن را دوست دارد.

من خیلی به کیک شکلاتی علاقه دارم.

غیراخلاقی

وقتی چیزی یا کسی غیراخلاقی باشد ، شرور است یا کارهای بدی انجام می دهد.

سرقت پول از مادر خود عملی غیراخلاقی است.

پیچک

پیچک گیاهی با انگورهای بلند است که به طور معمول روی دیواره ها به سمت بالا رشد می کند.

دیوارهای قلعه پوشیده از پیچک است.

ناله

غر زدن این است که هنگام احساس درد یا ناراحتی صدای کمی ایجاد کنید.

مرد بیمار از رختخواب خود ناله کرد.

بی توجه

اگر کسی از چیزی غافل باشد ، از آن بی خبر است.

دیر به مدرسه رسیدم چون از آن زمان غافل بودم.

هلاک شدن

هلاک شدن یعنی مردن ، معمولاً به دلیل شرایط بد یا اتفاقات بد.

بسیاری از مردم در جنگ ها از بین می روند.

گودال

گودال یک سوراخ بزرگ در زمین است.

مایکل در گودال افتاد و برای بیرون آمدن به کمک نیاز داشت.

لبه

لبه لبه خارجی یک چیز گرد است ، مانند یک فنجان یا بطری.

لبهایم را به لبه بطری گذاشتم و یک نوشیدنی گرفتم.

خروس

خروس جایی است که پرندگان می توانند در آن فرود بیایند و استراحت کنند یا بخوابند.

خانواده کبوترها بالای درخت یک خروس درست کردند.

لغزنده

اگر چیزی لغزنده باشد ، مرطوب یا نرم است و باعث لغزش افراد می شود.

تعمیرکار به دلیل لغزندگی بیش از حد روی زمین افتاد.

اوج گرفتن

اوج گرفتن یعنی پرواز کردن در هوا.

با طلوع خورشید ، دو عقاب در آسمان اوج گرفتند.

بدیهی

اگر چیزی پیش پا افتاده باشد ، مهم یا معنادار نیست.

تلویزیون بی اهمیت است ، اما یادگیری خواندن بسیار مهم است.

معمول

اگر چیزی معمولی باشد ، برای نوع خاصی از چیزها طبیعی است.

پارس یک رفتار معمول برای سگ ها است.

کاملاً

اگر چیزی کاملاً راهی باشد ، کاملاً چنین است.

وقتی خورشید توسط ماه مسدود شد ، بیرون کاملا تاریک بود.

اشک ریختن

گریه کردن یعنی گریه کردن.

خواهرم به من گفت که فیلم دراماتیک باعث گریه من خواهد شد.

روباه پر پیچ و خم روباه حیله گر

روباهی بود که در جنگل زندگی می کرد. فاکس دوست داشت در مورد حیوانات دیگر نیرنگ بازی کند. روزی او از لبه تیز بطری گودالی در زمین حفر کرد. او در درختی پنهان شد تا اینکه خرگوش به لبه گودال آمد. سپس ، او بیرون پرید و خرگوش را به داخل گودال هل داد. فاکس خندید و فرار کرد. خرگوش عصبانی از آنجا بالا رفت و به حیوانات دیگر گفت که چه اتفاقی افتاده است.

دیگران گفتند: "این یک رفتار معمول برای فاکس است. او همیشه معانی را معنا می کند. گاهی اوقات ، او کاملاً غیراخلاقی است. همه ما عملکرد او را رد می کنیم ، بنابراین باید به او عبرت بدهیم. فردا ، ما فاکس را به درون آن گودال خواهیم انداخت. "

روز بعد ، همه حیوانات در نزدیکی گودال پنهان شدند و منتظر فاکس بودند. فاکس از حیوانات پنهان غافل بود. او به طرف گودال بالا رفت تا ببیند که خرگوش هنوز گیر افتاده است. همان موقع ، حیوانات دیگر به طرف فاکس دویدند و او را هل دادند. همه حیوانات خندیدند و تشویق کردند ، البته به جز فاکس.

فاکس نمی توانست بیرون بیاید! دیواره های گودال پوشیده از پیچک مرطوب بود. برای او بالا رفتن بیش از حد لغزنده بود. او کاملاً درمانده بود. ناله کرد و شروع به گریه کرد.

سرانجام ، او عقاب را دید که از پشت سر او را تماشا می کند. او فریاد زد ، "عقاب ، لطفا کمکم کن! اگر از اینجا بیرون نروم ، هلاک خواهم شد! "

عقاب گفت: "شما ممکن است فکر کنید ترفندهایتان پیش پا افتاده است ، اما هنگام انجام کارهای ناپسند دیگران را آزار می دهید. اگر قول خوبی بدهی به تو کمک می کنم. "

فاکس گفت: "قول می دهم!"

عقاب پرواز خود را به پایین گودال آغاز کرد. او منقار فاکس را برداشت و از گودال اوج گرفت. او فاکس را به سلامت روی زمین انداخت.

فاکس از ایگل تشکر کرد و به قول خود عمل کرد. او با سایر حیوانات خوش برخورد بود. حیوانات حتی به فاکس علاقه مند شدند و جنگل مکان خوشبختی بود.